

علیرضا وکیلی | در محاسبات مادی جنگ، تجهیزات مدرن، ناوهای غول پیکر و سامانه‌های پدافندی چندلایه، تصویری از شکست ناپذیری را به نمایش می‌گذارند. دشمن با تکیه بر این زرق و برق تکنولوژیک، تلاش می‌کند در ذهن ملت‌ها، تصویری هیولایی و بلامنزع از خود بسازد تا اراده مقاومت را پیش از آغاز نبرد، فلج کند. اما نگاه توحیدی، لایه‌های پنهان این قدرت ظاهری را می‌شکافد و به ما می‌آموزد هر قدرتی که به منبع لایزال الهی متصل نباشد، با وجود تمام پیچیدگی هایش، دربرابر ضربه حق به شدت آسیب پذیر و فروپاشیدنی است. قرآن کریم با ارائه یک تمثیل را هبردی و بی نظیر، حقیقت پناهگاه‌های استکبار را چنین ترسیم می‌فرماید: «مَثَلُ الَّذِينَ اتَّخَذُوا مِن دُونِ اللَّهِ أَوْلِيَاءَ كَمَثَلِ الْفَنَّكَيُوتِ اتَّخَذَتْ مِنَّا وَأَوَّاهُنَّ الْثِيُوبُ لَئِن تِلْكَ الْفَنَّكَيُوتُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ، مَثَلُ كَسَانِي كِهْ غَيْرِ از خدَا را اولیای خود برگزیدند، مثل عنكبوت است كه خانه‌ای برای خود انتخاب كرده، درحالی‌كه سست‌ترین خانه‌ها، خانه عنكبوت است اگر می‌دانستند!»

این آیه، راز ابطال هیمنه جبهه باطل است. عنكبوت، خانه خود را با مهندسی دقیق و هندسه‌ای شگفت‌انگیز می‌سازد. اما این خانه دربرابر ورزش یک باد یا لرزش یک دست، هیچ دفاعی ندارد. افسانه «گنبد آهنین» و ناوهای هواپیمابر ائتلاف متجاوزان، دقیقاً بر همین منطق استوارند؛ آن‌ها شاید برای شکارهای کوچک فریبیده باشند، اما دربرابر طوفان اراده الهی و خشم مقدس یک ملت مؤمن، سست‌ترین پناهگاه تاریخ هستند. طبق منطق وحی، تکیه بر تجهیزات نظامی بدون پشتوانه حق، یعنی پناه بردن به تارهایی که در اولین برخورد جدی، رشته‌رشته می‌شوند.

باور به سست بودن قدرت دشمن، اولین گام پیروزی است. وقتی هیمنه تجهیزاتی استکبار در ذهن ما بشکند، راه برای عبور از سدهای مادی باز می‌شود. ما امروز شاهد لرزه‌هایی هستیم که بر تنه این «خانه عنکبوتی» افتاده است؛ جایی که اراده‌های پولادین، تکنولوژی‌های میلیارد دلاری را به چالش کشیده‌اند. حقیقت این است که ائتلاف‌های متجاوز، خانه‌ای بر روی آب ساخته‌اند که تنها با «علم» به سستی آن، می‌توان بر آن غلبه کرد. «بر این بنای میان تهی، تکیه کم کن» که سست‌بنیادتر از تار عنكبوت است، بیابیم با تکیه بر این بصیرت قرآنی، فریب حمله‌های تبلیغاتی دشمن را نخوریم. قدرت آمریکا و اسرائیل، قدرتی «بدون ریشه» و پوشالی است که تنها در غیاب ایمان، بزرگ به نظر می‌رسد. نصرت الهی با ملتی است که پناهگاه خود را «حصن حصین» خدا قرار داده و به او هنر بودن کاخ‌های ستم یقین دارد. پیروزی نهایی، فروریختن تمام تارهای فریب و طلوع قدرت واقعی ایمان بر ویرانه‌های استکبار است.

علیه‌پورا امروزه در اتاق مشاوره، کمتر خانواده‌ای را می‌بینم که زخم‌های اقتصادی، قلب رابطه‌شان را نیاززده باشد. سؤال اساسی مراجعان من دیگر فقط «چرا یکدیگر را رد کرد نمی‌کنیم؟» نیست، بلکه این است: «چطور زیر بار این فشار طاقت فرسا، عشق و آرامش را رزده نگه داریم؟» قرآن کریم با صراحت به ما هشدار می‌دهد که نتنگناهای اقتصادی، بستر وسوسه و تفرقه است: «الشَّيْطَانُ يَعِدُكُمُ الْفَقْرَ وَيَأْمُرُكُم بِالْفَحْشَاءِ» (بقره/۲۶۸)، «شیطان از ترس فقر، شما را به خشونت کلامی، سرزنش و زشت‌خویی فرمان می‌دهد.» در روان‌شناسی نیز این پدیده کاملاً شناخته شده است: استرس مزمن ناشی از تورم و بیکاری، سیستم «جنگ یا گریز» مغز را فعال می‌کند. نتیجه این فعال‌سازی مداوم، کاهش آستانه تحمل و پرخاشگری کلامی میان همسرانی است که در حقیقت، هم‌سنگر جنگ معیشت هستند، نه دشمن یکدیگر. اینجاست که راهکار قرآن از روان‌شناسی مدرن پیشی می‌گیرد. خداوند در ادامه همان آیه، نه فقط وعده به غفران، بلکه به «فضل» و گشایش مطلق می‌دهد. این یعنی ایجاد یک «سپر شناختی» دربرابر هجوم افکار منفی. من از مراجعانم می‌خواهم به جای جست‌وجوی مقصر درون خانواده، شجاعانه دربرابر صدای شیطانی «نمی‌شود» و «به آخر خط رسیده‌ایم» بایستند. پیامبر اکرم (ص) این وعده را داده‌اند که صله رحم و حسن خلق در خانواده، عمر را طولانی می‌کند و رزق را افزایش می‌دهد. این یک اصل روان‌شناختی عمیق است: وقتی تمرکز را از «کمبود مالی» به «سرمایه عاطفی» منتقل کنید، خلأ قوت ذهنی برای حل مسئله شکوفا می‌شود و از رفتارهای هزینه‌بر اضطراری (مثل خریدهای تسکینی یا مشاجرات فرسایشی) کاسته می‌شود.

در نهایت به خانواده‌های خسته می‌گویم: فقر جیب، عذر موجهی برای فقر دل نیست. بگذارید کشتی زندگی‌تان در این طوفان اقتصادی. لنگرش «مودت و رحمت» باشد. به جای شرمند نداشته‌ها، داشته‌های عاطفی را مرور کنید؛ این ساده‌ترین و درعین حال عمیق‌ترین نسخه‌ای است که هم دین آن را تضمین کرده است و هم علم روان‌شناسی به اثربخشی آن صحه می‌گذارد.

یکی از بزرگان اخلاق و معرفت در عصر ما، مرحوم استاد فاطمی نیابود. از ایشان سؤال شد که درباره امام رضا(ع) بر زیارت بامعرفت تأکید شده است، چگونه می‌توان به این مقام دست یافت؟ استاد گفت: زیارت بامعرفت، فراتر از همه زیارت‌هاست؛ زیرا زائر با تمام وجود، معرفت و حق امام معصوم را می‌شناسد و در هنگام زیارت نیز تمام هوش و جانش به زیارت معطوف است. امام رضا(ع) نیز در این زمینه فرمودند: «هر زائری که مرا در غربت بامعرفت زیارت کند، در سه موقف هولناک به یادش هستم؛ اول: در هنگامه سخت مرگ و جان دادن، دوم: در زمان سنجش اعمال و سوم، در لحظه عبور از صراط». بنابراین همه ما باید معرفت و حق ثامن الحجج (ع) را بشناسیم و در لحظه زیارت با علم به این حقایق، حضرت را بخوانیم. اما ذکر یک نکته مهم، ضروری است که معرفت درجاتی دارد و هر زائری به اندازه روحیه و نیت‌های قلبی خود به معرفت امام معصوم (ع) ناائل می‌شود. معرفت به معنای باور قلبی است و اینکه حجت خدا، امام من است و من باید تحت خواست و علاقه ایشان زندگی خود را طراحی کنم. نکته مهم اینکه باور عمیق دینی به اولیای خدا و علاقه به دوستان ائمه (ع) و دشمنی با دشمنان آن‌هاست که به ما معرفت عمیق می‌دهد. اما تحقق این مسئله، مشروط به این است که پروانه شمع وجود امام رضا(ع) باشیم، یعنی اگر می‌گوییم «آ‌آن‌ها پیروی می‌کنیم، این نکته در تمام زوایای زندگی ما دیده شود». زائر امام هاشم (ع) باید راه و رسم پروانگی را بداند و زائری که با شناخت به زیارت حضرت مشرف می‌شود، توفیق بیشتری در کسب معارف دینی و فضایل نیک رضوی خواهد داشت؛ یعنی زائران از زیارت امام رضا(ع) و سایر ائمه هدی (ع) اجرو مزد می‌گیرند، زیرا وقتی انسان همه آموزه‌های این بزرگواران را در زندگی به صورت عملی اجرا کند و تسلیم محض باشد، رستگاری، یقین و رهایی از بند گناه، نصیب او می‌شود. امام جواد (ع) نیز در باب ثواب زیارت پدرشان فرمودند: «کسی که قبر پدرم را زیارت کند، خداوند گناهان حال و گذشته او را خواهد آمرزد».

حقیقت ایمان از نگاه امام مهربان

حسین ابراهیمی | یکی از کلمات پرتکرار در جامعه مسلمانان، کلمه ایمان است؛ کلمه‌ای که گاهی معنای درست و واضحی از آن در ذهن افراد متبادر نمی‌شود و بسیاری از مسلمانان، مدعی این حقیقت هستند، درحالی‌که ایمان در بیان اولیای دین، یک تعریف مشخص و یک حدود معین دارد که این موضوع مهم را به بهانه ایام ولادت پرنور و سرور امام رضا(ع)، در بیان آن حضرت در گفت‌وگو با آیت‌الله علم‌الهدی، نماینده ولی فقیه در استان خراسان رضوی و امام جمعه مشهد، بررسی و تحلیل کرده‌ایم.



نافرمانی، نفورترین چیز و فرمانبرداری، محبوب‌ترین برای مؤمن است

ایمان کامل سه شاخص اصلی دارد:

- ۱- باورمندی؛
 - ۲- ارزش‌گذاری و فرهنگ‌سازی؛
 - ۳- و در نتیجه تنظیم نظام رفتاری.
- مطابق شاخص نخست، مؤمن کامل و حقیقی، کسی است که افزون بر قبول اصول دین و علم تفصیلی به معالم شریعت، آن‌ها را باور داشته باشد. چه بسیار افرادی که مثلاً بر وجود خدا استدلال و بر قطعیت معاد برهان اقامه می‌کنند، اما آگاهی‌های خود را باور ندارند، از این‌رو علیشان مولد عمل نیست. حال آنکه نتیجه تخلف ناپذیر باور به آگاهی‌ها، عمل کردن براساس آن است.
- لازمه بعدی ایمان همراه باورمندی به عنوان دومین شاخص، ارزش‌گذاری به مجموعه باورهای دینی است؛ به این معنا که مؤمن کامل برای فرمان‌های خداوند متعالی به عنوان عناصر خشنودکننده باری تعالی، ارزش و جایگاه قائل است. در نتیجه سیره رفتاری و فرهنگ زندگی خود را نیز براساس ارزش‌های دینی سامان می‌دهد. از نظر مؤمن واقعی، هیچ عملی بی‌ارزش‌تر و ناپسندتر از نافرمانی خداوند نیست؛ همان‌گونه که در نگاه او هیچ کاری زیباتر و پست‌دیده‌تر از فرمانبری خداوند نیست.



آیت‌الله علم‌الهدی: ادعای برخورداری از ایمان از سوی کسی که کارهای شایسته انجام نمی‌دهد جز وهم و خیال چیز دیگری نیست؛



آیت‌الله محمد هادی تهرانی و فعال فرهنگی

که انسان‌ها در کنار مرقد شریف آن حضرت دیده‌اند و عام و خاص و مخالف و موافق آن روز خلاصی بخشم؛ اول دارند. آن‌قدر زیارت‌است که قابل شمارش نیست. «نگاهی بر زندگی چهارده معصوم (ع) ج ۱، ص ۲۸۴»

این برکات، برگرفته از روایت‌های متعددی است که بر زیارت امام رضا(ع) تأکید کرده‌اند. از رسول خدا (ص) نقل شده است که فرمودند: «به زودی پاره‌ای از تن من در زمین خراسان مدفون شود و هیچ مؤمنی او را زیارت نکند؛ مگر آنکه خداوند متعال، بهشت را بر او واجب و بدنش را بر آتش جهنم، حرام کند.» (مفاتیح‌نوین، صفحه ۴۶۵)

امام رضا(ع) فرمودند: «هر که مرا بتوجه به دوری

قبرم زیارت کند، روز قیامت در سه جایگاه، نزد او بیایم تا او را از صحنه‌های هولناک آن روز خلاصی بخشم؛ اول جنبه زیارتی آن بوده است. به طوری که تعداد زیادی از شیعیان، به دلیل متبرک دانستن آن محل، به تدریج به آن ناحیه مهاجرت کرده‌ودر آنجا سکونت گزیده‌اند. در این صورت، توسعه شهر هم‌زمان با توسعه حرم رضوی است.

پس از حملات مغول در قرن هفتم هجری، توس به شدت آسیب دید و به تدریج مشهد جای آن را گرفت. این بطول‌ه در سال ۷۳۴ هجری از مشهد دیدن کرده و آن را شهری بزرگ با بازارهای پررونق، مدارس و مساجد متعدد، توصیف کرده‌است. (مقالات تاریخی، رسول جعفریان، دفتر نهم، ص ۲۴۴)

مشهد را تشکیل داده است. (عقیده‌الشیعه و هوکتاب عن تاریخ الاسلام فی ایران و العراق، ج ۱، ص ۱۸۳) بی‌تردید، برآمدن شهر مشهد، به دلیل جنبه زیارتی آن بوده است. به طوری که تعداد زیادی از شیعیان، به دلیل متبرک دانستن آن محل، به تدریج به آن ناحیه مهاجرت کرده‌ودر آنجا سکونت گزیده‌اند. در این صورت، توسعه شهر هم‌زمان با توسعه حرم رضوی است.

پس از حملات مغول در قرن هفتم هجری، توس به شدت آسیب دید و به تدریج مشهد جای آن را گرفت. این بطول‌ه در سال ۷۳۴ هجری از مشهد دیدن کرده و آن را شهری بزرگ با بازارهای پررونق، مدارس و مساجد متعدد، توصیف کرده‌است. (مقالات تاریخی، رسول جعفریان، دفتر نهم، ص ۲۴۴)